



انتشار «تربیت اخلاقی بر بنیاد نظریه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی»

کتاب «تربیت اخلاقی بر بنیاد نظریه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی» به همت انتشارات بهریار و به قلم محمد حسنی منتشر شد.

کتاب «تربیت اخلاقی بر بنیاد نظریه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی» به همت انتشارات بهریار و به قلم محمد حسنی منتشر شد. به گزارش خبرگزاری مهر، کتاب «تربیت اخلاقی بر بنیاد نظریه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی» تألیف محمد حسنی عضو هیأت علمی پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش و با مقدمه حجت‌الاسلام علی‌رضا صادق زاده عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس منتشر شد. این کتاب در زمستان ۱۳۹۳ به کوشش انتشارات بهریار و به قیمت شش‌هزار تومان به زیور طبع آراسته شد.

معرفی فصل‌بندی کتاب

کتاب مذکور در فصل نخست به بررسی پیشینه تاریخی مباحث فلسفه اخلاق در بین علمای مسلمان می‌پردازد. برحسب ضرورت در همین فصل نخست دیدگاه ارزش‌شناسی فیلسوفان مشهور یونان باستان به اجمال بررسی می‌شود. به باور نویسنده طرح چنین مباحثی در کتاب برای درک بهتر دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی لازم بوده است. فصل دوم به بررسی دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی پرداخته و محور این بررسی، نظریه اعتباریات (ادراکات اعتباری) ایشان است، همراه با بحثی از دیدگاه‌های فلسفی ایشان به‌ویژه بحث اختیار و عمل. در فصل آخر کتاب، دلالت‌های نظریه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی با رویکرد استنتاجی ویژه‌ای در حوزه تربیت اخلاقی تشریح می‌شود.

مسأله کتاب چیست؟

مؤلف پیرامون تبیین مسأله‌ای که کتاب بدان پرداخته، اشاره می‌کند از منظر تاریخی فیلسوفان مسلمان در جذب و توسعه اندیشه‌های فیلسوفان یونان باستان بسیار توانا ظاهر شدند و در حوزه معرفت‌شناسی و هستی‌شناسی به مباحث فلسفی یونان، توسعه چشم‌گیری دادند؛ به گونه‌ای که می‌توان گفت فلسفه متمایزی به نام فلسفه اسلامی را پی افکندند اما در حوزه مباحث فلسفه عملی در بین فیلسوفان مسلمان، پویایی مقبولی هم‌سنگ دیگر حوزه‌های فلسفی دیده نمی‌شود. بر حسب ظاهر در بین فیلسوفان مسلمان، این رسم وجود داشته است که در خصوص حکمت عملی کمتر به غور و خوض پرداخته‌اند. دلیل آن نیز با توجه به وجود دستورات و احکام متنوع اخلاقی، اقتصادی و اجتماعی اسلام، نوعی تصور بی‌نیازی به این حوزه معرفتی است. شاید احساس بی‌نیازی نسبت به این مباحث، فیلسوفان مسلمان را از توجه عمیق‌تر به حکمت عملی بازداشته است.

تألیف این کتاب چه ضرورتی داشت؟

دکتر حسنی درباره ضرورت تدوین این اثر پژوهشی تأکید می‌کند به سبب پیچیدگی‌های جامعه امروزی، چنین احساس بی‌نیازی به بحث‌های نظری در حوزه اخلاق و ارزش‌ها، کاذب به نظر می‌رسد و لازم است به این موضوعات بیش از پیش توجه شود. بنابراین به نظر می‌رسد با وجود توجه و عنایت به مسئله متخلق‌نمودن فرزندان‌مان به فضیلت‌های اخلاقی و بروز رفتار اخلاقی، چون با شرایط جامعه امروز ما بنیاد نظری مناسب و متناسبی فراهم نشده است، نتوانسته‌ایم در عرصه عمل به شیوه سنجیده اقدام نماییم و این در حالی است که در آثار علمی و فلسفی کشور ما در زمینه اخلاق، فلسفه اخلاق و فلسفه ارزش‌ها پیشینه‌ای موجود است که قابلیت توسعه، تعمیق و گسترش دارد؛ به گونه‌ای که می‌تواند، کمبودهای موجود را جبران کند و ما را از نظریه‌های غیربومی تا حدودی بی‌نیاز سازد.

با توجه به این‌که نظریه ادراکات اعتباری علامه طباطبایی از نظریه‌های بومی و برخاسته از سنت فلسفی کشور ماست و هم‌چنین با عنایت به قوت و استحکام اندیشه‌های فلسفی علامه این نظریه، بنیاد الگویی برای تربیت اخلاقی قرار گرفته است.

چرا باید دلالت‌های تربیتی نظریه علامه را بازجست؟

از آن‌جا که موضوع و محور اساسی نظریه اعتباریات، ارزش‌ها (اعم از اخلاقی، اجتماعی و حقوقی) است، می‌توان مدعی بود که مبانی ارزش‌شناسی علامه طباطبایی در این نظریه طرح شده است. این نظریه مانند سایر نظرات علامه از قوت و استحکام خاصی برخوردار است و از همین‌رو توجهات زیادی را به سوی خود جلب کرده و بسیار مورد نقد و ارزیابی قرار گرفته است. با وجود این بررسی‌ها، دلالت‌های آن در حوزه‌های جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی و به‌ویژه تربیت اخلاقی کم‌تر مورد توجه قرار گرفته است.

بر اساس چنین کمبودی تلاش کتاب «تربیت اخلاقی بر بنیاد نظریه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی» این است که پاسخ دهد، دیدگاه ارزش‌شناسی علامه چیست؟ خاستگاه و زادگاه ارزش کجاست؟ ارزش‌ها از چه جنسی هستند؟ آیا محصول و ساخته ذهن هستند؟ یا اموری مستقل از ذهن‌اند که آدمی به ادراک آن‌ها موفق می‌شود؟ آیا ارزش‌ها تاریخی‌اند؛ یعنی مطلوبیت

آن‌ها تابع شرایط زمانی و مکانی‌اند یا غیر تاریخی‌اند و در تمامی شرایط زمانی و مکانی مطلوبیت دارند؟ این ارزش‌ها در عرصهٔ حیات آدمی چه‌گونه ظاهر می‌شوند؛ یعنی نقش و جایگاه ارزش‌ها در تحقق فعل اخلاقی چیست؟ و این بستر ارزش‌شناسی چه نتایجی در زمینهٔ تربیت اخلاقی در خصوص هدف، اصل و روش به دنبال دارد؟

روش‌شناسی کتاب در کشف دیدگاه علامه در تربیت اخلاقی

گفتنی است شیوه استنتاج دلالت‌های دیدگاه ارزش‌شناسی علامه طباطبایی برای مبحث تربیت اخلاقی بر اساس الگوی روش‌مندی است که دکتر خسرو باقری در نقد و بازسازی الگوی قیاس عملی فرانکنا به آن رسیده و در جلد اول کتاب «درآمدی بر فلسفه تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران» عرضه کرده است. با این که رویکرد استنتاجی در فلسفه تعلیم و تربیت به لحاظ روش‌شناسی با انتقاداتی مواجه شده است لیکن کتاب مذکور، اعتبار شیوه استدلال استنتاجی و الگوی قیاس عملی را به صورت اصل موضوعی پذیرفته و لاجرم استنباط دلالت‌های دیدگاه ارزش‌شناسی علامه برای تربیت اخلاقی بر این منوال صورت پذیرفته است.

چرا باید به آراء علامه طباطبایی توجه ویژه داشت؟

حجت‌الاسلام دکتر صادق‌زاده نیز مقدمه‌ای بر این کتاب نوشته و در آن به توضیح جایگاه بحث دربارهٔ اخلاق و تربیت اخلاقی در تعلیم اسلامی و وضعیت مباحث اندیشمندان اسلامی در این موضوع پرداخته است و تنها راه چاره ترسیم الگوی نظری برای تربیت اخلاقی جامعه اسلامی را مراجعه به دانش فلسفه اسلامی و بررسی دقیق و عمیق این حوزه معرفتی دانسته است. وی در بیان ضرورت التفات به آراء فلسفی علامه طباطبایی اذعان دارد بدون شک در این میان نقش بی‌نظیر علامه سید محمدحسین طباطبایی در احیاء فلسفهٔ اسلامی و اثبات توان‌مندی حکمت متعالیه برای پاسخ‌گویی به مسائل فلسفی رایج در دوران معاصر، ما را وامی‌دارد که برای تبیین بنیان فلسفی تربیت اخلاقی بر اساس اندیشه اسلامی، پیش از همه به ایشان رجوع نماییم.

حجت‌الاسلام صادق‌زاده معتقد است علامه طباطبایی در حکمت، تفسیر، حدیث، کلام، عرفان، فقه و دیگر علوم اسلامی تبحر و تخصص داشت. جامعیت علمی علامه در تفسیر المیزان و نوع نگاه به دین و قرآن مشهود است. به‌روز بودن علامه در عرصهٔ علمی و دینی باعث شده بود نه تنها به مباحث علوم نقلی و عقلی بپردازد بلکه سعی می‌کرد برای چالش‌های روز دنیا نیز پاسخی بیابد؛ گفت‌وگوهای بین علامه و اسلام‌شناس و ایران‌شناس مشهور، هانری گربن دلیل این مدعاست.

دلیل دیگری که وی در مقدمهٔ این کتاب برای لزوم رجوع به اندیشه‌های علامه طباطبایی ذکر می‌کند، پیش‌گام بودن ایشان در فلسفهٔ تطبیقی در حوزه اسلامی است. کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» محصول مواجهه با فلسفه‌های جدید غرب است که با شیوه‌های ابتکاری و نو دربارهٔ نظریهٔ معرفت سخن گفته است.

روش علامه در فلسفه‌ورزی بر تحلیل، ترکیب و استدلال برهانی استوار است. مباحث ذوقی، عرفانی و حتی آیات و روایات را با مباحث فلسفی در نمی‌آمیزد و برای هر یک حد و مرز مشخصی قائل است.

هم‌رأیی علامه با دیگر فیلسوفان بر مبنای شیوه‌های مستقل و سیری منطقی مختص به خود اوست. علامه مقلد نیست و در عین حال که فیلسوفی صداری است و از صدرا دفاع می‌کند ولی کوشیده است تفسیری نو ارائه دهد و از خلل و مناقشاتی که به دیدگاه ملاصدرا وارد است، آسان نگذرد. ایشان در مباحث علم و ادراک، ادراک اعتباری، کلیات، مقولات حرکت، اثبات واجب و صفات حق‌تعالی دیدگاه‌های جدیدی ارائه داده است.

از نگاه دکتر صادق‌زاده اندیشهٔ علامه طباطبایی هر چند به حوزه فلسفه محض تعلق دارد ولی علاقه و توجه ایشان به مباحث و سؤالات ایدئولوژیک پیش‌روی مردم، باعث شده است اندیشه ایشان بتواند مبنای پژوهش‌گران فلسفه‌های مضاف باشد.

دلیل دیگری که حجت‌الاسلام صادق‌زاده برای لزوم رجوع به نظرات علامه برمی‌شمارد وجود برداشت‌ها و تفاسیر غلط از نظریه اعتباریات علامه طباطبایی است. برداشت‌های مختلف و بعضاً متناقضی که انتقاداتی به مضمون این نظریه را در پی داشته است. جمع‌کردن نظرات فلسفی علامه در بیان نظریهٔ اعتباریات و دیدگاه ایشان در تفسیر المیزان کار دشواری است که از عهدهٔ هر کسی بر نمی‌آید.

از این رو کتاب حاضر را باید تلاشی در نظر گرفت که علاوه بر استنتاج مدلولات نظریهٔ اعتباریات در حوزهٔ تربیت اخلاقی، به طور ضمنی برای تقریر مجدد دیدگاه علامه و انسجام بخشیدن به برداشت‌های ناهم‌سو گام برمی‌دارد.